

بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت مرتعداران در اصلاح و احیاء مراتع (مطالعه موردی: مرتع چقاکدو در

استان کرمانشاه)

روناک احمدی^{۱*}، قدرت‌اله حیدری^۲ و غلامرضا خوش‌فر^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۰۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۶/۱۰

چکیده

اهمیت مراتع در تعلیف دام و حفظ اکوسیستم طبیعی انکارناپذیر است. با توجه به وسعت زیاد مراتع و نیاز به نیروی انسانی زیاد برای حفظ، اصلاح و احیای این منابع، به نظر می‌رسد مشارکت مرتعداران در عرصه‌های مذکور بهترین رویکرد برای توسعه این منابع باشد. مشارکت بدون پشتوانه سرمایه اجتماعی امری غیرممکن است، از این رو در این پژوهش، تأثیر سرمایه اجتماعی بر میزان مشارکت مرتعداران در اصلاح و احیای مرتع چقاکدو در شهرستان سرپل‌ذهاب، از طریق مطالعه میدانی (تهیه پرسشنامه از ۶۷ مرتعدار) با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی‌شده، بررسی شده است. تجزیه و تحلیل آن با آمارهای توصیفی و استنباطی، ضریب همبستگی، رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر انجام شده است. در این پژوهش، ۷ شاخص تأثیرگذار دارای ضریب همبستگی (اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی، امنیت اجتماعی، روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی)، قادر به تبیین ۷۷ درصد تغییرات مشارکت مرتعداران در اصلاح و احیای مرتع هستند. نتایج تحلیل مسیر شاخص‌های اثرگذار بر مشارکت نشان می‌دهد که شاخص اعتماد نهادی بیشترین اثر مستقیم و شاخص روابط اجتماعی بیشترین اثر غیرمستقیم را بر مشارکت دارد. بیشترین اثر کل مربوط به شاخص اعتماد بین‌شخصی است و مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمترین اثر کل را بر مشارکت مرتعداران در اصلاح و احیای مرتع دارد. در مجموع نتایج حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که با بهبود شاخص‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت بهره‌برداران در اصلاح و احیای مراتع افزایش خواهد یافت.

واژه‌های کلیدی: اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد بین‌شخصی، روابط اجتماعی، شهرستان سرپل‌ذهاب، مرتع چقاکدو.

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

*: نویسنده مسئول: Ronakahmadi1990@yahoo.com

۲- استادیار گروه مرتعداری، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی ساری

۳- استادیار گروه علوم اجتماعی و سیاسی دانشگاه گلستان

مقدمه

بیش از ۵۲ درصد از سطح کشور ایران را مراتع تشکیل می‌دهند که بیش از ۷۰۰۰ گونه گیاهی در قلمرو آن رشد می‌یابند. مراتع در حفظ خاک و جلوگیری از فرسایش، تنظیم گردش آب در طبیعت، تأمین علوفه مورد نیاز دام، تولید محصولات دارویی و صنعتی، حفظ ذخایر ژنتیک گیاهی و جانوری نقش اساسی دارند (۱۹). زندگی و معیشت خانوارهای روستایی به‌طور گسترده‌ای به منابع طبیعی پایه، همچون مراتع وابسته است (۲۹، ۴۳ و ۴۹). بنابراین اگر در سطح مراتع شاهد تخریب باشیم، خسارت‌های زیادی از لحاظ اقتصادی- اجتماعی به بهره‌برداران وارد می‌شود (۸ و ۱۸) و نابودی مراتع هم از لحاظ اقتصادی و هم اجتماعی ضرر و زیان فراوانی به همراه خواهد داشت. بنابراین، حفظ مراتع موجود، اصلاح، احیاء و گسترش این منابع از جمله اقدامات ضروری است (۲۸).

برای مقابله با تخریب منابع طبیعی و رفع نگرانی‌ها در مدیریت منابع طبیعی، مشارکت و همکاری در بین مرتعداران یکی از نیازهای اساسی است (۵۱). به همین دلیل، یکی از مفاهیم اساسی در توسعه منابع طبیعی و جلوگیری از تخریب مراتع، مشارکت دادن مرتعداران در تمام مراحل کار است (۲۳). افزایش تعداد مشارکت‌کنندگان از اصول کلیدی مشارکت مردمی است (۱۹). در مفهوم گسترده مشارکت به معنی برانگیختن حساسیت مردم برای حفاظت منابع پایه (آب، خاک و پوشش گیاهی) و در نتیجه افزایش ادراک و توان آن‌ها جهت پاسخگویی به طرح‌های توسعه است (۳۹). امروزه مشارکت بدون پشتوانه سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن شامل اعتماد فردی، روابط بین‌گروهی، روابط نهادی و امنیت سرمایه‌گذاری در بخش منابع طبیعی وجود نخواهد داشت، از این رو ضعف سرمایه اجتماعی در جامعه روستایی سبب عدم مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود (۲۵). مفهوم سرمایه اجتماعی به عنوان چارچوبی برای درک و تحلیل روابط بین ذی‌نفعان توسعه اجتماعی تعریف شده است و مؤلفه حیاتی به توسعه عادلانه و پایدار و عامل اجتماعی مهم مدیریت پایدار سرزمین قلمداد می‌شود (۳۴ و ۳۸). تأثیر سرمایه اجتماعی در جهت‌دهی به

واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی مورد تأیید قرار گرفته است. به‌طوری که سرمایه اجتماعی تعیین‌کننده بسیار مهمی در تغییرات مشارکت سیاسی مردم هر جامعه‌ای به‌شمار می‌رود (۳۲). سرمایه‌های اجتماعی، به‌طور مستقیم در توسعه مناطق نقش دارند (۳ و ۴). سرمایه اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند اعتماد و اطمینان را بین افراد به‌طور چشم‌گیری بالا ببرد چون محدودیت‌ها را کم می‌کند (۱۴، ۲۲ و ۴۰). هرچه روابط بین بهره‌برداران بیشتر باشد، سطح اعتماد در بین آن‌ها نیز افزایش یافته و فرصت‌های بیشتری برای انجام اقدامات جمعی در بین بهره‌برداران به‌وجود می‌آید (۲۳ و ۴۴). اعتماد در بین بهره‌برداران مشارکت را تسهیل نموده و در نتیجه مدیریت مشارکتی منابع طبیعی نیز به‌دنبال اعتمادسازی در بین بهره‌برداران و نهادهای مرتبط با مدیریت مراتع می‌تواند در عمل به واقعیت بیانجامد. باید توجه داشت که اعتماد در روابط بین افراد در طول زمان ساخته شده و به راحتی نیز می‌تواند از بین برود. اعمال برنامه‌ها و فرآیند مدیریت مشارکتی با از بین رفتن اعتماد در بین بهره‌برداران مختلف منابع طبیعی با مشکلاتی روبرو شده و می‌توان گفت اعمال مدیریت مشارکتی موفق در این وضعیت امری ناممکن خواهد بود (۷، ۹، ۱۶ و ۴۰).

حیدری و همکاران (۲۰۰۹)، در پژوهش خود با عنوان نقش سرمایه اجتماعی بر مشارکت در اجرای طرح‌های مرتعداری بر اساس دیدگاه‌های مجریان این طرح‌ها (مطالعه موردی مراتع بلده- شمال ایران) بیان کردند که رابطه معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن شامل اعتماد در روابط فردی، اعتماد نهادی، امنیت اجتماعی و همکاری متقابل با میزان مشارکت مجریان در اجرای طرح‌های مرتعداری وجود دارد (۲۵). در پژوهش دیگری، فیروزروز و همکاران (۲۰۱۵)، در تحلیل شبکه اجتماعی و الگوی ساختاری روابط اجتماعی بهره‌برداران مرتع روستای تاکر- نور، به این نتیجه رسیدند که میزان پیوندهای اعتماد و مشارکت از میزان متوسط تا زیاد پایداری و میزان پیوندهای انسجام از ضعیف تا متوسط است (۱۷). قربانی و همکاران (۲۰۱۵)، نیز در تحلیل پیوندهای اعتماد و مشارکت اجتماعی در شبکه

مواد و روش‌ها

منطقه و روش تحقیق

برای اجرای این پژوهش، سامان عرفی مرتع چقاقدو واقع در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهرستان سرپل‌ذهاب در استان کرمانشاه انتخاب شد. مساحت منطقه حدود ۵۰۰۰ هکتار، ارتفاع متوسط ۵۰۰ متر از سطح دریا و شیب ۱۷ درصد است. منطقه مورد مطالعه بین طول‌های شرقی ۴۶ درجه و ۱۳ دقیقه و ۳۴ ثانیه تا ۴۶ درجه و ۲ دقیقه و ۲۸ ثانیه و عرض‌های شمالی ۳۴ درجه و ۱۳ دقیقه و ۳۴ ثانیه تا ۳۴ درجه و ۷ دقیقه و ۴۸ ثانیه قرار دارد (شکل ۱). بر اساس تقسیم‌بندی آب و هوایی آمبرژه، منطقه در اقلیم نیمه خشک گرم واقع شده است. فصل بهره‌برداری از این مرتع زمستان، مدت زمان بهره‌برداری از مرتع ۱۲۰ روز در سال، از ۱۵ آذر تا ۱۵ فروردین و مراتع قشلاقی است (۱۱).

پژوهش حاضر از نوع تحقیقات کاربردی است که به روش علی-ارتباطی انجام شد. متغیر وابسته، میزان مشارکت مرتعداران در امر اصلاح و احیای مرتع چقاقدو در استان کرمانشاه و متغیرهای مستقل، شامل شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد بین‌شخصی، اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم‌یافته، امنیت اجتماعی، روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی) است. شاخص اعتماد بین‌شخصی با ۹ گویه (اعتماد مرتعدار به اعضای خانواده، به معتمدین و رهبران محلی، به فامیل و خویشاوندان، اعتماد به دوستان، به افراد با تجربه و خبره، به کارشناسان و نخبگان محلی، به اهالی محل، به همسایگان، به میزان صداقت مردم)، شاخص اعتماد نهادی با ۱۳ گویه (اعتماد مرتعدار به مروجین و ناظران پروژه‌های اصلاحی و احیایی مرتع، به شورای اسلامی، به نمایندگان مجلس، به مدیران سازمان‌های دولتی، به دولت در تأمین نهاده‌های برنامه‌های اصلاحی و احیایی مرتع، به دریافت تسهیلات برای پروژه‌های اصلاحی و احیایی مرتع، به دادگاه‌ها و قضات، به دستگاه‌های دولتی یا اداری، به صدا و سیما، به روحانیون، به معلمان و اساتید دانشگاه‌ها، به پلیس و نیروی انتظامی)، شاخص اعتماد تعمیم‌یافته با ۷ گویه (اعتماد بهره‌بردار به شورای روستا، به نهاد دهیاری، به اثرگذاری شوراها به عمران و آبادی،

بهره‌برداران در راستای مدیریت مشارکتی مراتع منطقه گرگو، به این نتیجه رسیدند که انسجام و سرمایه اجتماعی در بین بهره‌برداران در حد ضعیف است و اعتماد و مشارکت در بین افراد در حد مطلوب نهادینه نشده است و تقویت اعتماد و همکاری در بین بهره‌برداران سرمایه اجتماعی را افزایش می‌دهد (۲۰). در تحقیقی دیگر مویس و همکاران^۱ (۲۰۱۵)، در بررسی استفاده مؤثر از سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه‌گذاری‌های جدید برای کسب و کار روستایی در انگلستان به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه‌گذاری نقش بسزایی دارد. شاخص‌های سرمایه اجتماعی مانند اعتماد، رابطه و همکاری می‌تواند ارتباطات بین افراد را مستحکم کند و احتمال موفقیت کسب و کارهای جدید روستایی را افزایش می‌دهند (۳۷). همچنین لوین^۲ (۲۰۱۵)، در پژوهشی با عنوان فقدان سرمایه اجتماعی به‌عنوان مانع توسعه: هنجارها و اعتماد در مناطق روستایی ایالت راجستان در هند به این نتیجه رسیدند که اگر نتوان رابطه‌ای بین کشاورزان برقرار کرد و اعتماد آن‌ها را به همدیگر و با سازمان‌ها تقویت کرد، نتیجه این خواهد بود که سود حاصل از کشاورزی کم‌تر می‌شود (۳۳). ووپر و سوئر^۳ (۲۰۱۶)، نیز در بررسی نقش خودکارآمدی و سرمایه اجتماعی در عملکرد کشاورزان قراردادی در کشور غنا به این نتیجه رسیدند که، کشاورزانی که در ارتباط با سایر کشاورزان و اداره‌ها هستند، توانسته‌اند کارآمدی بیشتری داشته باشند و به سود بالاتری در کشاورزی برسند.

در واقع سرمایه اجتماعی با ایجاد پلهایی بین افراد و سازمان‌ها نقش مهمی را در ایجاد توسعه ایفا کرده‌است (۵۰). با توجه به آنچه که گفته شد، این تحقیق به بررسی و تحلیل اثرات شاخص‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم‌یافته، امنیت اجتماعی، روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی، مسئولیت‌پذیری) بر مشارکت مرتعداران در اصلاح و احیای مرتع چقاقدو می‌پردازد.

1 - Moyes

2 - Levien

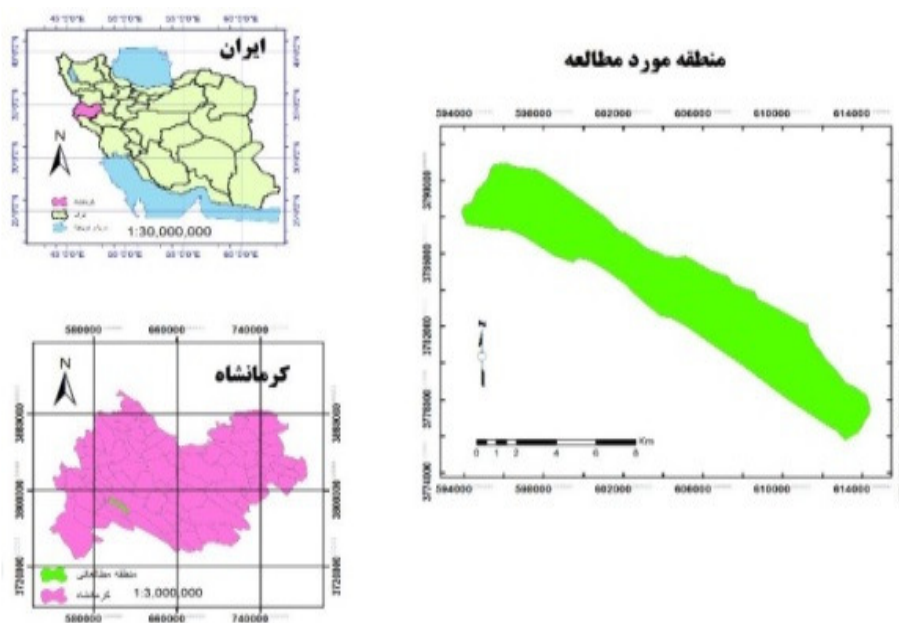
3 - Wuepper and Sauer

سازمان‌های محلی، قابلیت مروجین در برقراری ارتباط با مرتعداران، آشنایی مرتعداران با برنامه‌ها، شرکت مرتعداران در دوره‌های آموزشی- ترویجی، مشارکت اجتماعی مرتعداران، زمینه‌سازی دولت برای مشارکت مرتعداران، معاشرت با مردم روستا، تمایل برای شرکت در مراسم جشن، تمایل برای شرکت در مراسم عزاداری، حضور در جلسات عمومی، احساس لذت از کار کردن با دیگران، کمک کردن به همسایگان، مشورت با همسایگان، روابط با همسایگان، قرض گرفتن وسایل نقلیه از همسایگان) سنجیده شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بود که بخش سؤالات مربوط به مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی به صورت بسته و از طریق طیف لیکرت طراحی شده است (۴۶ و ۴۷) و سؤالات شخصی نیز باز در نظر گرفته شد. برای تعیین روایی پرسشنامه از نظرات متخصصان امر استفاده شد که پس از اصلاحات لازم، پرسشنامه مذکور در سطح محدود سنجش شد و پایایی آن از طریق آزمون آلفای کرونباخ تعیین گردید. آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق از ۰/۸۹-۰/۶۹ محاسبه گردید (جدول ۱). جامعه آماری شامل کلیه مرتعداران چقاکدو است. برای انتخاب نمونه‌ها از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی شده استفاده شد. تعداد آنها ۷۸ نفر بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران^۴ (۱۰) و تطبیق با جدول مورگان و کرجسی^۵ (۳۲)، ۶۷ نفر تعیین شد (رابطه ۱). در تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از نرم‌افزار SPSS²⁰ و آزمون همبستگی اسپیرمن و روش آماری تحلیل مسیر استفاده شده است. در روش تحلیل مسیر از رگرسیون چندگانه به شیوه جبری استفاده شده است و در آن کلیه متغیرهای سرمایه اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل به طور همزمان وارد تحلیل شدند. از آنجا که مقادیر بتا استاندارد شده است، در مورد اهمیت و نقش متغیرهای مستقل در پیشگویی معادله رگرسیون از مقادیر بتا استفاده شد و بزرگ بودن مقدار بتا نشان‌دهنده اهمیت نسبی و نقش آن در پیشگویی متغیر وابسته (مشارکت در اصلاح و احیاء مراتع) است (۲۶، ۲۷، ۳۰ و ۴۲).

اعتماد مرتعداران نسبت به هم، قابل اعتماد بودن مردم روستا، اعتماد مرتعدار به مردم روستا، رضایت مرتعدار از محل زندگی خود، امنیت اجتماعی با ۶ گویه (احساس مالکیت مرتعدار با اصلاح و احیاء مرتع، احساس امنیت مرتعدار و خانواده‌اش با اصلاح و احیاء مرتع، حمایت از مرتعدار در برخورد با متخلفین، رقابت در بهره‌برداری از برنامه‌های اصلاحی و احیایی، سرمایه‌گذاری مرتعدار بدون نگرانی، حل مشکل مرتعدار از طرف دولت برای پروژه‌های اصلاحی و احیایی مرتع)، روابط اجتماعی با ۹ گویه (تمایل مرتعدار به انجام کار داوطلبانه برای اصلاح و احیاء مرتع، تمایل برای کمک به دیگران، هماهنگی مرتعدار با ناظران، همکاری مرتعداران در انجام برنامه‌ها، کمک فکری مرتعداران به یکدیگر برای رفع مشکلات، گوش دادن مرتعداران به نصیحت یکدیگر، کمک مرتعداران در هنگام کار به یکدیگر، احوال‌پرسی مرتعداران از یکدیگر، علاقمندی مردم در حل مشکلات محله)، انسجام اجتماعی با ۶ گویه (رفتار دوستانه بین روستاییان، حضور اهالی در جلسات عمومی، شرکت فعال مرتعداران در انجام برنامه‌ها، ارزش‌های مشترک بین مرتعداران، تعامل مرتعداران به صورت طایفه‌ای، انجام وظایف اجتماعی مرتعداران به نحو احسن)، مسئولیت‌پذیری اجتماعی با ۷ گویه (حضور مرتعدار در کارهای گروهی، تمایل مرتعدار به انتخاب شدنش به عنوان شورای روستا، تمایل مرتعدار به انتخاب شدنش به عنوان دهیار روستا، تمایل مرتعدار به انجام هر وظیفه‌ای که در روستا بر عهده‌اش بگذارند، تمایل مرتعدار به انجام هر نوع مسئولیتی برای بهبود شرایط زندگی خود، تمایل مرتعدار به انجام آنچه که برای اجتماع روستا مفید است، تمایل به مشارکت بدون دریافت دستمزد) و مشارکت در اصلاح و احیاء مرتع با ۲۴ گویه (توجه به علایق و نیازهای مرتعداران در زمینه پروژه‌های اصلاحی و احیایی مرتع، تسلط مروجین به مباحث فنی، مشورت با مرتعداران قبل از شروع برنامه‌ها، جلب اعتماد مرتعداران نسبت به اجرای برنامه‌ها، توجه به نیازهای اقتصادی در طراحی برنامه‌ها، آگاهی از اهمیت و فواید برنامه‌ها، ارائه خدمات ترویجی در زمینه برنامه‌ها، واگذاری مسئولیت بخشی از برنامه‌ها به مرتعداران، توجه و بکارگیری دانش بومی مرتعداران در اجرای برنامه‌ها، عضویت مرتعداران در

⁴- Cochran

⁵- Morgan and krejcie



شکل ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه

رابطه ۱- فرمول کوکران

$$n = \frac{78(1/96^2)(0/5 \times 0/5)}{78(0/05)^2 + (1/96^2)(0/5 \times 0/5)} = 67$$

$$n = \frac{N(t^2)(p \times q)}{Nd^2 + (t^2)(p \times q)}$$

که در آن، n حجم نمونه، p و q واریانس و انحراف معیار جامعه، N حجم جامعه، d^2 دقت احتمالی مطلوب و t فاصله اعتماد است.

جدول ۱- ضریب آلفای کرونباخ برای متغیرهای مورد بررسی

| ردیف | مقیاس | تعداد گویه‌ها | ضریب آلفای کرونباخ |
|------|------------------------------|---------------|--------------------|
| ۱ | امنیت اجتماعی | ۶ | ۰/۶۹ |
| ۲ | اعتماد بین شخصی | ۹ | ۰/۷۱ |
| ۳ | اعتماد نهادی | ۱۳ | ۰/۷۸ |
| ۴ | اعتماد تعمیم‌یافته | ۷ | ۰/۷۳ |
| ۵ | روابط اجتماعی | ۹ | ۰/۷۶ |
| ۶ | انسجام اجتماعی | ۶ | ۰/۸۳ |
| ۷ | مسئولیت‌پذیری اجتماعی | ۷ | ۰/۸۹ |
| ۸ | مشارکت در اصلاح و احیاء مرتع | ۲۴ | ۰/۸۲ |

میانگین درآمد سالانه هر مرتعدار ۲۴/۰۶ میلیون تومان با انحراف معیار ۸/۵۴ بود (جدول ۲).

نتایج

نتایج توصیفی حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد که، میانگین سنی افراد ۶۷ سال و با انحراف معیار ۱۰/۰۳۵ بود. میانگین تجربه و سابقه بهره‌برداری افراد ۴۸/۶۱ سال، میانگین سطح تحصیلات مرتعداران در حد ابتدایی، میانگین بعد خانوار ۵/۴۶ نفر، میانگین تعداد دام هر مرتعدار ۸۰/۴۴ با انحراف معیار ۴۱/۱۴، همچنین،

مقیاس داده‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و کلیه شاخص‌های آن با مشارکت مرتعداران دارای همبستگی مثبت و معنی‌داری هستند. در واقع با افزایش سرمایه اجتماعی و هر یک از شاخص‌های آن، مشارکت مرتعداران در اجرای برنامه‌های اصلاح و احیاء مرتع چقاقدو افزایش یافته‌است. در این رابطه شاخص اعتماد تعمیم‌یافته بالاترین همبستگی و شاخص انسجام اجتماعی کمترین همبستگی را با مشارکت داشته‌است (جدول ۴).

جدول ۳- تحلیل رگرسیونی میزان نقش متغیرهای مستقل در مشارکت مرتعداران در اصلاح و احیاء مرتع

| مدل | R | R ² | R ² تعدیل شده | خطای استاندارد | F | Sig |
|---------|-------|----------------|--------------------------|----------------|-------|-------|
| هم‌زمان | ۰/۸۸۲ | ۰/۷۷۸ | ۰/۷۵۱ | ۵/۳۰۲ | ۲۹/۴۵ | ۰/۰۰۰ |

جدول ۴- نتایج حاصل از ضریب همبستگی بین متغیرها با مشارکت مرتعداران در اصلاح و احیاء مراتع

| متغیر وابسته | متغیرهای مستقل | ضریب همبستگی اسپیرمن | sig |
|------------------------------|-----------------------|----------------------|-------|
| مشارکت در اصلاح و احیاء مرتع | روابط اجتماعی | ۰/۷۰۵** | ۰/۰۰۰ |
| | اعتماد بین‌شخصی | ۰/۷۶۸** | ۰/۰۰۰ |
| | اعتماد نهادی | ۰/۷۳۵** | ۰/۰۰۰ |
| | اعتماد تعمیم‌یافته | ۰/۷۷۱** | ۰/۰۰۰ |
| | امنیت اجتماعی | ۰/۷۰۰** | ۰/۰۰۰ |
| | انسجام اجتماعی | ۰/۳۲۸** | ۰/۰۰۷ |
| | مسئولیت‌پذیری اجتماعی | ۰/۶۰۰** | ۰/۰۰۰ |
| | سرمایه اجتماعی کل | ۰/۸۴۴** | ۰/۰۰۰ |

** معنی‌داری در سطح ۹۹ درصد

مستقیم (مجموع مسیرها) هر یک از متغیرهای اثرگذار بر متغیر وابسته محاسبه شد. نتایج نشان می‌دهد که هر ۷ متغیر اثر افزایش‌دهنده بر مشارکت دارند و شاخص اعتماد نهادی بیشترین اثر مستقیم و روابط اجتماعی بیشترین اثر غیر مستقیم را بر مشارکت دارد. همچنین شاخص اعتماد بین شخصی بیشترین اثر کل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی کمترین اثر کل را بر مشارکت دارد. با توجه به مسیرهای اثرگذاری، اعتماد بین‌شخصی علاوه بر اثرگذاری مستقیم بر مشارکت، به واسطه امنیت اجتماعی و اعتماد تعمیم‌یافته، بر متغیرهای مسئولیت‌پذیری اجتماعی و

جدول ۲- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مرتعداران

| ویژگی جمعیت | میانگین | انحراف معیار |
|-----------------------------------|---------|--------------|
| سن (سال) | ۶۷ | ۱۰/۰۳ |
| سابقه بهره‌برداری (سال) | ۴۸/۶۱ | ۹/۹۸ |
| سطح تحصیلات (سال) | ۵ | ۳/۷۳ |
| بعد خانوار (نفر) | ۵/۴۶ | ۱/۴۴ |
| دام (راس) | ۸۰/۴۴ | ۴۱/۱۴ |
| میزان درآمد سالانه (میلیون تومان) | ۲۴/۰۶ | ۸/۵۴ |

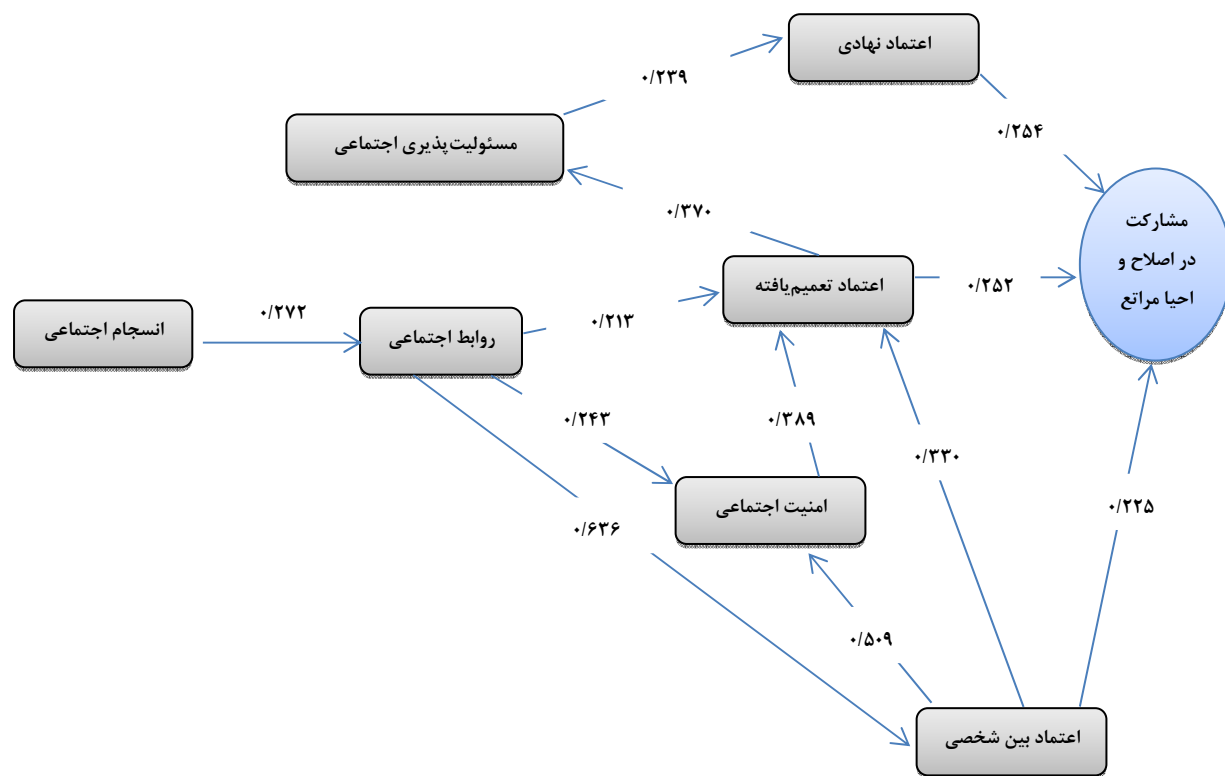
نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی میزان نقش متغیرهای مستقل در مشارکت مرتعداران در اصلاح و احیاء مرتع نشان داد که (بر اساس مقدار R² محاسبه شده) متغیرهای مستقل به کار برده شده در مدل تحلیل مسیر قادر به تبیین ۷۷ درصد از واریانس کل مشارکت مرتعداران در اصلاح و احیاء مرتع بودند (جدول ۳).

به منظور بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و شاخص‌های آن (اعتماد بین‌شخصی، اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم‌یافته، امنیت اجتماعی، روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی، مسئولیت‌پذیری) با میزان مشارکت مرتعداران (مجریان برنامه‌های اصلاح و احیاء مرتع)، با توجه به

در این پژوهش ۷ متغیر تأثیرگذار بر میزان مشارکت مرتعداران در اصلاح و احیاء مرتع منطقه مورد مطالعه (شامل: اعتماد بین‌شخصی، اعتماد نهادی، اعتماد تعمیم‌یافته، امنیت اجتماعی، روابط اجتماعی، انسجام اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی) معرفی شدند و در تحلیل مسیر شاخص‌های تأثیرگذار سرمایه اجتماعی بر مشارکت وارد مدل شدند. پس از به دست آمدن ضرایب بتا، مدل نهایی تحلیل مسیر که حاصل ترکیب ۷ مرحله رسم دیاگرام مسیر می‌باشد ترسیم شد (شکل ۲). سپس با توجه به ضرایب بتا در جدول ۵ تأثیرات مستقیم و غیر

شاخص‌های سرمایه اجتماعی و به دنبال آن بر مشارکت مرتعداران در اصلاح و احیاء مرتع اثرگذاری می‌کنند، بنابراین این دو شاخص را می‌توان به عنوان شاخص‌های کلیدی و زمینه‌ای در پیشبرد برنامه‌های مشارکتی معرفی کرد.

اعتماد نهادی اثر داشته و از این طریق نیز به طور غیر مستقیم بر مشارکت تأثیرگذار است. شاخص‌های روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی بالاترین اثر غیر مستقیم را بر مشارکت دارند. همچنین مشخص می‌شود که این دو شاخص بیشترین تعدد مسیر را در دیاگرام مسیر به خود اختصاص داده و از مسیرهای متعددی بر تمامی



شکل ۲- نمودار نهایی تحلیل مسیر همراه با ضرایب پتا

جدول ۵- مجموع تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای اثر گذار در تحلیل مسیر بر مشارکت

| اولویت | مجموع اثرات | اثرات غیرمستقیم | اثرات مستقیم | متغیر مستقل | متغیر وابسته |
|--------|-------------|-----------------|--------------|-----------------------|------------------------------|
| ۱ | ۰/۳۶۸ | ۰/۱۴۳ | ۰/۲۲۵ | اعتماد بین شخصی | مشارکت در اصلاح و احیاء مرتع |
| ۲ | ۰/۳۱۴ | ۰/۳۱۴ | - | روابط اجتماعی | |
| ۳ | ۰/۲۷۴ | ۰/۰۲۲ | ۰/۲۵۲ | اعتماد تعمیم یافته | |
| ۴ | ۰/۲۵۴ | - | ۰/۲۵۴ | اعتماد نهادی | |
| ۵ | ۰/۲۳۱ | ۰/۲۳۱ | - | انسجام اجتماعی | |
| ۶ | ۰/۱۰۶ | ۰/۱۰۶ | - | امنیت اجتماعی | |
| ۷ | ۰/۰۶۰ | ۰/۰۶۰ | - | مسئولیت پذیری اجتماعی | |

بحث و نتیجه‌گیری

در فرآیند اجرای برنامه‌های اصلاح و احیاء مرتع چقاقدو، شاخص‌های سرمایه اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند و تأثیر سرمایه اجتماعی در جهت‌دهی به فعالیت‌های توسعه‌ای مورد تأیید قرار می‌گیرد. به طوری که این شاخص‌ها قادر به تبیین ۷۷ درصد از تغییرات مشارکت مرتعداران در اجرای این برنامه‌ها هستند. با توجه به هدف پژوهش حاضر، در این مطالعه جهت محاسبه اثرات مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر مشارکت مرتعداران از روش تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که سطوح مختلف اعتماد و روابط اجتماعی دارای اولویت اثر بیشتری نسبت به سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر مشارکت مرتعداران هستند. اثرگذاری اعتماد در تحقق سرمایه اجتماعی و توسعه مناطق توسط برخی از محققین (۱۳، ۲۰ و ۲۵) تأیید شده است.

همان‌طور که از نتایج مشخص می‌شود تنها، سطوح مختلف اعتماد اثر مستقیم بر مشارکت مرتعداران در اصلاح و احیاء مرتع دارند و سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی تنها به واسطه این سه شاخص قادر به اثرگذاری بر مشارکت هستند، همان‌طور که جمعی از محققین (۷، ۹، ۱۶ و ۲۲) نیز بیان داشتند، می‌توان چنین اظهار کرد، تا زمانی که اعتماد و اطمینان در بین افراد شکل نگرفته باشد، سرمایه اجتماعی در پیشبرد فعالیت‌های اجتماعی، قادر به اثرگذاری نخواهد بود و اعمال برنامه‌ها و فرآیند مدیریت مشارکتی با از بین رفتن اعتماد در بین بهره‌برداران با مشکلاتی روبرو خواهد شد و می‌توان گفت اعمال مدیریت مشارکتی موفق در این وضعیت امری ناممکن خواهد بود، در واقع اعتماد در بین بهره‌برداران مشارکت را تسهیل نموده و در نتیجه اجرای برنامه‌های اصلاح و احیاء مرتع می‌تواند به دنبال اعتمادسازی در بین بهره‌برداران و نهادهای مرتبط با مدیریت مراتع، در عمل به واقعیت بینجامد. با توجه به نتایج، شاخص اعتماد نهادی بالاترین اثر مستقیم را بر مشارکت دارد و شاخص مسئولیت‌پذیری اجتماعی به‌طور مستقیم بر اعتماد نهادی اثرگذار است، از آنجا که بخش عمده‌ای از اعتماد در فرآیند تعامل با سازمان‌ها و ارگان‌ها شکل می‌گیرد،

بنابراین بهبود کارکرد این سازمان‌ها برای جلب اعتماد نهادی می‌تواند به طور قابل توجهی در بالا بردن سرمایه اجتماعی افراد و افزایش مشارکت، مؤثر باشد، لذا پیشنهاد می‌شود، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با مدیریت منابع طبیعی، مسئولیت‌پذیری خود را افزایش داده و عملکرد و سازوکارهای خود را شفاف و صریح نموده تا ذی‌نفعان مختلف با آگاهی از عملکرد صحیح سازمان‌ها و ادارات، حاضر به سرمایه‌گذاری‌های مختلف و عضویت و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی شوند. همچنین شاخص اعتماد بین‌شخصی بالاترین اثر کل را بر مشارکت دارد، این شاخص هم به‌طور مستقیم و هم به‌طور غیرمستقیم از طریق تأثیر بر امنیت اجتماعی و اعتماد تعمیم‌یافته بر مشارکت اثر افزایش داده دارد. بنابراین توجه به این مفهوم اساسی ضرورت دارد و پیشنهاد می‌شود که با بکارگیری رهیافت‌هایی جهت افزایش اعتماد در سطح اجتماعات کوچک مانند خانواده، در پیشبرد فعالیت‌های جمعی نقش بسزایی ایفا کرد. اعتماد تعمیم‌یافته نیز تأثیر مستقیمی بر مشارکت مرتعداران دارد، این سطح از اعتماد که شامل اعتماد مرتعداران به جامعه محلی خود است، به الگوی بومی توسعه منطقه مربوط می‌شود، از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی برون‌گروهی است و نقش مهمی در اجرای برنامه‌های اصلاح و احیاء مرتع چقاقدو دارد. این نتیجه با نتایج برخی محققین (۱۳، ۳۶ و ۴۵) که بر تأثیرگذاری اعتماد تعمیم‌یافته بر میزان مشارکت تأکید خاصی دارند، هم‌سو است. به نظر می‌رسد که هم‌سطح بودن ساکنین یک سامان عرفی از نظر میزان تحصیلات، درآمد، اعتقادات مشترک و غیره، سبب همدلی بیشتر بین اعضاء شده و تمایل گروهی به مشارکت را در جامعه سبب می‌شود. در این تحلیل بالاترین اثر غیرمستقیم مربوط به روابط اجتماعی است. روابط اجتماعی از مسیرهای مختلف بر مشارکت مرتعداران اثرگذار است، بنابراین می‌توان این شاخص را به عنوان شاخص کلیدی و زمینه‌ای سرمایه‌ای اجتماعی معرفی کرد، چراکه بر سایر شاخص‌های سرمایه اجتماعی اثرگذار است و باعث افزایش آن‌ها می‌شود. این نتیجه در راستای پژوهش‌های برخی محققین (۱، ۲۳، ۳۴ و ۴۴) است که بیان داشتند هر چه روابط بین بهره‌برداران بیشتر باشد سطح اعتماد در بین آن‌ها نیز افزایش یافته و

مشارکت در بین مرتعداران شده است و مؤلفه حیاتی در توسعه مراتع قلمداد می‌شود و جمعی از محققین نیز به این نتیجه دست یافته‌اند (۲۵، ۳۳، ۳۵، ۳۷، ۵۰، ۵۱ و ۵۲). با توجه به نتایج به‌طور کلی می‌توان گفت که سرمایه اجتماعی توسعه منطقه را به دنبال داشته است و بررسی این نظریه جامعه‌شناختی برای رسیدن به توسعه در هر جامعه‌ای ضرورت دارد و پیشنهاد می‌شود که به دنبال بررسی سرمایه اجتماعی و شناخت تأثیرگذارترین شاخص‌های آن، سرمایه اجتماعی در آن جامعه بر اساس تقویت مؤلفه‌های تأثیرگذارش ارتقاء یابد.

فرصت‌های بیشتری برای انجام اقدامات جمعی در بین بهره‌برداران به وجود می‌آید. به‌نظر می‌رسد که توانایی و انگیزه مرتعداران جهت مشارکت در برنامه‌های اصلاح و احیاء مراتع، بر اساس روابطی که با سایر افراد دارند شکل می‌گیرد و با دریافت اطلاعات و امکانات بیشتر، سرمایه اجتماعی خود را تقویت، و همسو با آن دستیابی به موفقیت را مقدور می‌سازند. در واقع سرمایه اجتماعی از طریق شاخص روابط اجتماعی، باعث ایجاد پل‌هایی در بین افراد می‌شود و نقش مهمی را در ارتقاء و توسعه مراتع ایفا می‌کند. در حقیقت ارتباط افراد مختلف با یکدیگر به عنوان یک بعد مهم سرمایه اجتماعی سبب افزایش

References

1. Barnes-Mauthe, M., S. Arita., S. D. Allen., S.A. Gray & P. Leung, 2013. The influence of ethnic diversity on social network structure in a common-pool resource system: implications for collaborative management. *Ecology and Society*, 18(1): 23-33.
2. Berkes, F., J. Colding & C. Folke, 2008. *Navigating social-ecological systems: building resilience for complexity and change*. Cambridge University Press.
3. Bernard, T., S. Dercon, K. Orkin & A.S. Taffesse, 2014. *The future in mind: Aspirations and forward-looking behaviour in rural Ethiopia*. Centre for the Study of African Economies Conference on Economic Development in Africa, Oxford, UK, March.
4. Bernard, T., S. Dercon., K. Orkin & A.S. Taffesse, 2015. Will video kill the radio star? Assessing the potential of targeted exposure to role models through video. *World Bank Econ. Rev.* 29 (1): 226-237.
5. Bisung, E., & S.J. Elliott., 2014. Toward a social capital based framework for understanding the water-health nexus. *Social Science & Medicine*, 108:194-200.
6. Bodin, O., & B. I. Crona., 2009. The role of social networks in natural resource governance: What relational patterns make a difference?. *Global environmental change*, 19(3): 366-374.
7. Bodin, O., B. Crona & H. Ernstson, 2006. Social networks in natural resource management: what is there to learn from a structural perspective. *Ecology and Society*, 11(2): 2-10.
8. Bustos, B., M. Folchi & M. Fragkou, 2016. Coal mining on pastureland in Southern Chile; challenging recognition and participation as guarantees for environmental justice. *Geoforum*.
9. Carlsson, L., & F. Berkes., 2005. Co-management: concepts and methodological implications. *Journal of environmental management*, 75(1): 65-76.
10. Cochran, W. G., 1977. *Sampling techniques*, 3rd edition, Whley and Sons, USA, 428 pp.
11. Department of Natural Resources Kermanshah province, 1390. Chqakdv range management plan, Ranch unit, Department of Natural Resources city Zahab, 50 p.
12. Einali, G., H. Farahani & N. Jafari, 2014. Evaluation of the role of social capital in mitigating the effects of the earthquake disaster in the district Sjasrod- Khodabande city in the province. *Journal of Applied Research in Geographical Sciences*, University of Tehran Khwarizmi, 32 (14):115-93. (In Persian)
13. Farzane, S. & A. Ramazani., 2012. The Relationship between Social Capital and Urban Development Case Study: Vice City, *sociology Journal of Youth Studies*, 3 (6):132-109. (In Persian)
14. Feigenberg, B., E. Field, R. Pande, 2013. The economic returns to social interaction: experimental evidence from microfinance. *Rev. Econ. Stud.* 80(4):1459-1483.
15. Firuzrubi, M., R. Erfanzadeh., M. Ghorbani & S. Rasekhi, 2015. Social Network Analysis and structural model of social relations pasture farmers (Case Study: Village Takor- city of light). *Rangeland Journal*, 9 (3): 254-244. (In Persian)
16. Folke, C., T. Hahn, P. Olsson, & J. Norberg, 2005. Adaptive governance of social-ecological systems. *Annu. Rev. Environ. Resour.*, 30:441-473.
17. Forest, range and watershed management organization of Iran. 2016. <http://frw.org.ir/00/Fa/StaticPages/Page.aspx?tid=1501> (07/02/2016)

18. Garforth C., C. Van Schot & L. Maarse, 1988. The role of extension in developing the use of rangelands. *Agricultural Administration and Extension*, 30:325-336.
19. Gera. W, 2016. Public participation in environmental governance in the Philippines: The challenge of consolidation in engaging the state. *Land Use Policy*, 52: 501-510.
20. Ghorbani, M., F. Salari., H.R. Saeedi graghany & A. Senaee, 2015. Analysis of bonds of trust and community participation in the network of farmers in participatory rangeland management (Case Study: Grgv- area Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad. *Journal of pasture*, 9 (2): 194-181. (In Persian)
21. Greiner R., M. Bliemer & J. Ballweg, 2014. Design considerations of a choice experiment to estimate likely participation by north Australian pastoralists in contractual biodiversity conservation. *Journal of choice modeling*, 10 :34-45.
22. Guiso, L., P. Sapienza & L. Zingales, 2008. Alfred marshall lecture social capital as good culture. *J. Europ. Econ. Assoc.* 6 (2-3):295-320.
23. Hahn, T., P. Olsson, C. Folke & K. Johansson, 2006. Trust-building, knowledge generation and organizational innovations: the role of a bridging organization for adaptive comanagement of a wetland landscape around Kristianstad, Sweden. *Human ecology*, 34(4): 573-592.
24. Heydari, Gh., H. Barani., Gh. Khoshfar., G. Ghorbani & M. Aghili, 2009. The role of social capital to participate in the implementation of range management plans based on enforcement views this designs (Case Study knows pastures north of Iran). *Journal of Rangeland*, 3 (1): 137-121. (In Persian)
25. Hubacek, K., C. Prell., M. Reed., D. Boys., A. Bonn & C. Dean, 2006. Using stakeholder and social network analysis to support participatory processes. *The international Journal of Biodiversity science and management*, 2(3): 249-252.
26. Kalantari, KH., 2003. Socio-economic research data processing using the software spss. *Publishing Sharif*, Tehran, 361p.
27. Kalantari, Kh., 2012. *Data Processing and Analysis in Socio-Economic Research*. (5th Ed.). Saba farhang, University of Tehran, 388 p.
28. Kazemyrudy, M., 2005. Effect on income rangeland projects. Master's dissertation, Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran, 103 p.
29. Kepe, T., 2008, Beyond the Numbers: Understanding the value of vegetation to rural livelihoods in africa, *Geoforum*, Vol. 39, PP. 958-968.
30. Kerlinger, F. N., & E.J. Pedhazur., 1973. *Multiple regression in behavioral research*. New York: Holt, Rinehart and Winston.
31. Khoshfar, Gh., 2008. The effect of social capital on political participation. Case study: Golestan Province, thesis, *Sociology*, University of Allameh Tabatabai, 300 p.
32. Krejcie, R. V., & D.W. Morgan., 1970. Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, 30:607- 610.
33. Levien, M., 2015. Social Capital as Obstacle to Development: Brokering Land, Norms, and Trust in Rural India. *World Development*, 74:77-92.
34. Mariola, M.J., 2012. Farmers, trust, and the market solution to water pollution: The role of social embeddedness in water quality trading. *Journal of Rural Studies*, 28(4): 577-589.
35. Meijerink, G., E. Bulte & D. Alemu, 2014. Formal institutions and social capital in value chains: the case of the Ethiopian Commodity Exchange. *Food Policy* 49:1- 12.
36. Mosii, M. & S. Raiisedghiani., 2008. Social capital and economic development, development of a new attitude. *Jasmine strategic Journal*, (17):75-57. (In Persian)
37. Moyes, D., P. Ferri, F. Henderson & G. Whittam, 2015. The stairway to Heaven? The effective use of social capital in new venture creation for a rural business. *Journal of Rural Studies*, 39, 11-21.
38. Nath, T. K., M. Inoue & J. Pretty, 2010. Formation and function of social capital for forest resource management and the improved livelihoods of indigenous people in Bangladesh. *Journal of Rural and Community Development*, 5(3):104-122.
39. Oakley P. & D. Marsden, 1989. *Approaches to participation in rural development*. International Labor Office Geneva, 138 PP.
40. Olsson, P., C. Folke & F. Berkes, 2004. Adaptive comanagement for building resilience in social-ecological systems. *Environmental management*, 34(1):75-90.
41. Pamuk, H., E. Bulte & A.A. Adekunle, 2014. Do decentralized innovation systems promote agricultural technology adoption? Experimental evidence from Africa. *Food Policy*, 44: 227-236.
42. Rafipoor, P., 1983. *Exploration and Pndashths*. Tehran: Publishing Company. First Edition.
43. Rigg, J., 2006. Land, Farming, Livelihoods, and Poverty: Rethinking the links in the rural south, *World Development*, 34(1):180-202.

44. Rijke, J., Brown., R. Zevenbergen., C. Ashley., R. Farrelly., M. Morison & P. Van Herk, 2012. Fit-for-purpose governance: A framework to make adaptive governance operational. *Environmental Science & Policy*, 22:73-84.
45. Sabatini, F., 2008. Social capital and the quality of economic development. *Kyklos*, 61(3): 466-499.
46. Sabatini, F., 2009. Social capital as social networks: A new framework for measurement and an empirical analysis of its determinants and consequences. *The Journal of Socio-Economics*, 38(3):429-442.
47. Sarukhi, B., 2006. Methodology of research in social sciences, Vol.2 Trends & Techniques, Publications of Institute for Humanities and Cultural studies research center, 520 pp.
48. Scholz, R.W., 2011. Environmental literacy in science and society: from knowledge to decisions. Cambridge University Press, 631p.
49. Scoones, I., 2009. Livelihoods Perspectives and Rural Development, *Peasant Studies*, 36(1):71-96.
50. Wuepper, D., & J. Sauer., 2016. Explaining the performance of contract farming in Ghana: The role of self-efficacy and social capital. *Food Policy*, 62:11-27.
51. Wuepper, D., & B. Drosten, 2015. Economic Implications of Historically Evolved Self- Efficacy: Agent Based Modelling and Empirical Evidence from Rural Ghana. M.P. N. 65413.
52. Wuepper, D., D. Zilberman & J. Sauer, 2016. Self-Efficacy and Technology Adoption in Ghana – How Cultural Beliefs Affect Responses to Rainfall Changes. CSAE Conference 2016, St. Catherine's College, Oxford university.